

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده : حسیب "نصرتی"

سائفرانسکو - اول فیروزی ۲۰۱۶

اشعاری از فقید "مستوره افغان"

چادری

شکرُ الله چادری بگذشت و رفت کفش و پاپوش زری بگذشت و رفت
موسم خال و دری* بگذشت و رفت روزگار ابتری بگذشت و رفت
همچو باد سرسری بگذشت و رفت
چادری آن معجر ادبار ما خـلـطـه پر چین و پر اسرار ما
رخت بر بست ار تن بیمار ما شد سبک زو پیکر افگار ما
یاور جن و پری بگذشت و رفت
چادری آن خـلـطـه پرچین ما رخنه ها افکنده در آئین ما
کی چنین چیزی بگفته دین ما روی پنهان و عیان سرین ما
عشوه ها و دلبری بگذشت و رفت
پند حمامی ربوده چادری راه دزدی را گشوده چادری
دشمن دوشیزه بوده چادری مغز زنها کرده بوده چادری
خـلـطـه کیسه بُری بگذشت و رفت
پرده پوش کیسه برها چادری یک جهان آرد خطرها چادری
باعث رنج نظرها چادری دوستدار فتنه گرها چادری
خوب شد این چادری بگذشت و رفت

چادری تا یک زمان بودی حجاب پرده بود و ستر بود و هم نقاب
مِعْجَر سر تا قدم بوده صواب نی چو کاهوئی و یا پوش رباب
بالش زیر سری بگذشت و رفت

زیر برقع نیک و بد معلوم نیست گرچه خوبان یک هزار و هرزه بیست
خانم نیکوخصال و زشت کیست این همه بی سنجشی از چادریست
پرده غمپروری بگذشت و رفت

تا که بودی مـرده آسا در کفن منزلت کی بود بهرت در وطن
چون شدی آزاد و پوشیدی چین قدر تو معلوم شد ای میرمن
دشمن جن و پری بگذشت و رفت

ای دُشیزه موقع کارت رسید حریت یعنی مددگارت رسید
در حیات علم بازارت رسید ای نهال بارور بارت رسید
موسم تن پروری بگذشت و رفت

حرف "مستوره" اگر دارد اثر حسن تو چون هست همدوش قمر
شو برو از خانه ای نور نظر بالباس ساده و مِعْجَر به سر
وقت حسن پودری بگذشت و رفت

عینک چشمت حیای چشم توست موی پنهان زیر مِعْجَر آبروست
دستکش در دستهایت بس نکوست زینت بسیار بهر زشت روست
موسم خال و دری* بگذشت و رفت

(کابل - ۱۳۳۸ هـ ش)

* - "دری"

تریشه های زوررق، که دخترکان و بالخاصه دخترکان دیهکی، جهت تزئین به گیسو میزدند.